

غشروین جناده

عمرو، نوجوانی یازده ساله بود که همراه پدر و مادرش از کوفه به کربلا آمد. پدرش، در اولین حمله‌ی دشمن به شهادت رسید.

عمرو نیز کمی بعد از پدر با کمک و راهنمایی مادرش آماده‌ی نبرد شد و آنقدر اصرار کرد تا امام به او اجازه‌ی جنگیدن داد. او با لباس سفید و بلند و شمشیری هم قد خودش وارد میدان شد. بعضی از افراد دشمن به او خندیدند و با تعجب گفتند: حسین(ع) یک کودک را به میدان جنگ فرستاده است؟! اما طولی نکشید که عمرو با شاعرهای زیبا و نبرد شجاعانه‌اش به آنها فهماند که او دیگر نه تنها کودک نیست بلکه از بسیاری از آنها مردتر است.

سلام بر عمرو که با شهادت در راه حق به شاهی ما آموخت که مبارزه در راه خدا کوچک و بزرگ ندارد.

صحرای کربلا



کربلا، آنجا که شهادت است